

تأثیر بسزایی داشته، مباحث و دیدگاه‌های جدیدی را به وجود آورده است. تدوین و کاربرد اصطلاحنامه در ایران سایقه‌ای حدود چهار دهه دارد.^۱ با وجود این تلاش‌های مربوط به تهیه آثاری که به مباحث نظری و عملی بهویژه مباحث روز پیردادز، بسیار محدود بوده، و اکثر آثار موجود ترجمه منابع خارجی است. تقویت و افزایش منابع نظری و آموزشی به رشد این مهم می‌انجامد. در این میان پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران نقشی فعال‌تر نسبت به مراکز حرفه‌ای حوزه اصطلاحنامه در تولید منابع اطلاعاتی مورد نیاز ایفا نموده است. انتشار چندین عنوان کتاب و مقاله بیانگر این مطلب است. جدیدترین اثر در این زمینه با عنوان فرآیند تدوین اصطلاحنامه تالیف دو تن از فعالان حوزه اصطلاحنامه و پیراسته سه تن از متخصصان این حوزه نیز محسول این پژوهشگاه است، که در این مقاله معرفی، و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

معرفی اثر

کتاب فرآیند تدوین اصطلاحنامه، اثری است مشتمل بر هفت فصل که بنابر گفته‌پدیدآورندگان آن قصد دارد تعریفی دوباره از اصطلاحنامه در نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات ارائه نموده و به صورت مختصراً به فرآیند تدوین اصطلاحنامه پیردادز. فهرست مطالبی نه چندان تفصیلی، همراه با فهرست جدول‌ها و فهرست شکل‌ها و پیشگفتار، صفحات آغازین اثر را به خود اختصاص داده‌اند. فصل اول اثر به تعریف نمایه‌سازی، انواع نمایه‌سازی از لحاظ هماری، زبان نمایه‌سازی، و واژگان کتبل شده می‌پردازد. در فصل دوم تعاریف، اهداف، ضرورت‌ها، نقش‌ها، انواع، و نمایش‌های اصطلاحنامه‌ها ارائه شده‌اند. فصل سوم «استنادهای تدوین اصطلاحنامه»، با تاکید بر استنادهای ISO 5964 و Z39.19 و ISO ۳۷۳۹۱ را معرفی می‌کند. «تدوین اصطلاحنامه» عنوان فصل چهارم است که مراحل اصلی این فرآیند و روش‌های متناول آن – قیاسی و استقرایی، مواردی که باید هنگام تدوین اصطلاحنامه در نظر گرفته شوند، و مطالبی پیرامون توصیفگرها و غیرتوصیفگرها، و سایر مباحث مرتبه را مد نظر قرار داده است. فصل پنجم درباره اهمیت و انواع روابط -هم‌ارزی، سلسه‌مراتبی، وابستگی - در اصطلاحنامه‌هاست. فصل ششم به طور ویژه فرآیند تدوین اصطلاحنامه‌های چند زبانه را بیان می‌کند. و فصل هفتم، مبحث مهم /مدیریت و روزآمدسازی اصطلاحنامه، را بر اساس استنادهای Z39.19 و Z39.19.19 مطرح کرده است. این اثر دارای واژنامه فارسی به انگلیسی، فهرست منابع، و نمایه‌ای برخوب بافتی است. در پایان اثر نیز صفحاتی ویژه یادداشت برای استفاده خوانندگان اثر تهیه شده است.

بررسی نقاط قوت و ضعف اثر

همان طور که پیشتر اشاره شد، ندقیک اثر، بازخورد و واکنش خوانندگان به پدیدآورندگان در مورد ویژگی‌ها و کاستی‌های آثار است، که می‌تواند باعث تکمیل اثر و رشد آنها گردد. این مقاله نیز تلاشی است در این راستا. نگارنده امیدوار است مطالب بیان شده در این مقاله مورد استفاده پدیدآورندگان محترم قرار گرفته و به تقویت اثر کمک نماید. در این بخش نقاط قوت و ضعف اثر به طور خلاصه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. نخست نقاط قوت اثر به طور کلی و سپس نقاط ضعف آن به تفکیک اجزای اصلی اثر ارائه شده‌اند. در طول مقاله سعی شده معیارهایی متناسب با ویژگی‌های منابع بومی (ونه بر مبنای استنادهای

فرآیند تدوین اصطلاحنامه

• سید مهدی طاهری

کارشناس مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی



■ محمدی، فخرالسادات؛ علیدوستی، سیروس. فرآیند تدوین اصطلاحنامه. ویراسته لیلا مرتضایی، علی آقابخشی، فاطمه شیخ شعاعی. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۶، قطع وزیری، ۹۶۴-۷۵۱۹-۰۵-۶. شابک: ۰-۷۵۱۹-۵۱-۶

مقدمه

نقد کتاب به عنوان یکی از سنت‌های علمی و آکادمیک همواره مورد توجه فرهیختگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف دانش بشری بوده است. این سنت که بازخورد و واکنش جامعه علمی به تولید علم را نشان می‌دهد (طاهری، ۱۳۸۳، ص ۷۳)، به‌نوبه خود موجبات ایجاد دانش جدید یا تکمیل دانش قبلی را فراهم می‌آورد. تعامل پدیدآورندگان با مخاطبان به منظور آگاهی از تأثیر اثر نیز از دستاوردهای این سنت است. در همین راستا رسانه‌های گوناگونی از جمله مجلات نقد زمینه‌های لازم برای نقد و تعامل علمی را به وجود آورده، پویایی و نشاط جامعه حرفه‌ای را باعث می‌گردد. در منابع امروزی درخواست واکنش و بازخورد پدیدآورندگان از مخاطبان به یک رفتار حرفه‌ای تبدیل شده است. بدون تردید هر اثری در کنار نقدی جامع و دقیق، به اثری کامل تبدیل خواهد شد.

اصطلاحنامه‌ها هم اکنون به عنوان یکی از حوزه‌های مورد توجه در فرآیند مدیریت اطلاعات مطرح گردیده‌اند. تمايل و اشتياق فراهم کنندگان نظامهای ذخیره و بازیابی اطلاعات به استفاده از اصطلاحنامه‌ها روندی رو به رشد دارد. پيشرتفت‌های اخير فناوري‌های اطلاعاتی بر اين روند

نمایه‌سازی اختصاص دارد. این مسئله بهویژه می‌تواند در درک مطالب اثر برای دانشجویان و خوانندگان جوان مشکل ساز باشد.

ج) در صفحه هجده، هدف از نگارش اثر «تعریفی» دوباره از اصطلاحنامه در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات و ارائه مطالب به صورت خلاصه درباره «فرآیند تدوین اصطلاحنامه» بیان شده است. عنوان اثر و مطالعه متن اثر کاملاً خلاف این ادعا را نشان می‌کند. قسمت عده محتوای اثر به «فرآیند تدوین اصطلاحنامه» پرداخته و در قسمت‌هایی جزئی به کارکردهای نوین اصطلاحنامه.

د) کل اثر شامل هفت فصل می‌باشد، درحالی که در پیشگفتار یازده فصل بیان شده است. در مورد موضوع‌ها برای مثال، فصل پنجم با عنوان طراحی اصطلاحنامه ذکر شده که چنین فصلی با این نام در کتاب وجود خارجی ندارد. چنین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی نهایی در مورد محتوای اثر بعد از نگارش پیشگفتار تغییرات عده‌ای داشته است.

متن. بدنه اصلی هر اثری را متن تشکیل می‌دهد. بنابراین محتوای اثر و هدف اصلی پدیدآورنده (ها) در متن نمود می‌یابد، نیز تمایز اثر را با سایر آثار مشابه نشان می‌دهد. متن کتاب مورد نقد از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و در این بخش از مقاله سعی شده به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره گردد.

(الف) محتوای متن بیشتر به یک اثر «گردآوری و ترجمه» می‌ماند تا یک اثر تالیفی، چراکه از تفسیر و تحلیل و اظهار نظر نویسنده‌گان چندان خبری نیست. بیشتر محتوا حالت ترجمه کامل یا خلاصه منابع استناد شده است، بدون تردید اگر نویسنده‌گان برداشت خود را ارائه می‌دادند چنین حالتی بوجود نمی‌آمد. نقل قول‌ها و استنادهای متعدد، همچنین تفاوت‌ها و تفاوت‌ها میان مطالب ارائه شده که بر روی انسجام مطالب کتاب تاثیر گذاشته، بدون بیان عقیده نویسنده‌گان در مورد این تفاوت‌ها نیز حاکی از این مسئله است.

(ب) در مواردی تکرار مطالب در فصل‌های مختلف و حتی در یک فصل دیده می‌شود. گاهی این تکرارها تعجب انگیز است. برای مثال در صفحات ۶۰، ۶۲ و ۱۴۸ کتاب در مورد روش‌های استقرایی و قیاسی در تدوین اصطلاحنامه‌ها سخن به میان رفته است. نکته قابل توجه اینکه این توضیحات با بافت و اصطلاحات متفاوت‌اند. در صفحات ۶۰ و ۶۲ از اصطلاح «روش قیاسی» و «روش استقرایی» استفاده شده و در صفحه ۱۴۸، «حرکت از کل به جزء» و «حرکت از جزء به کل». برای اصطلاح آخر یک باددادشت توضیحی اشتباہ نیز نگاشته شده است. در این باددادشت آمده: «در نوشتگات مختلف این روش با عنوان روش قیاسی نیز معروف شده است». بدینهی است این توضیح مربوط به «حرکت از کل به جزء» است. همچنین تکرار مطالب در سطرهای دهم و یازدهم صفحه ۳۲ با سطرهای چهارم و پنجم صفحه ۳۳.

یا، مطالب ارائه شده در صفحات ۱۴۸-۱۵۱ از فصل ششم (تدوین اصطلاحنامه چندزبانه) خلاصه‌ای است از مطالب فصل چهارم (تدوین اصطلاحنامه). با توجه به مشترک بودن بحث، نویسنده‌گان محترم می‌توانستند با توضیحی در قالب چند سطر یا یک پاراگراف و با ارجاع به فصل چهارم عمل کنند.

(ج) انسجام در نگارش و ترجمه. در «پیشگفتار» ذکر شده: «تلاش بر رعایت دستور خط پیشنهادی از سوی فرهنگستان زبان و ادب

بین‌المللی و ایده آل) مورد توجه باشند.

نقاط قوت

- نویسنده‌گان اثر از جوانان فعال، و ویراستاران آن از متخصصان حوزه اصطلاحنامه‌ها هستند. ناشر و سازمان پشتیبان اثر نیز از سازمان‌هایی است که تاکنون بیشترین اثار را در این حوزه تهیه و منتشر نموده است.

- شکل ظاهری، و ترتیب اجزای کتاب، صفحه‌آرایی، تعداد بسیار کم اشکالات تایپی و فنی چاپ، و نظایر آن مطلوب می‌نماید.

- وجود جداول‌ها و شکل‌های گوناگون و متعدد فهم مطالب کتاب را آسان نموده است.

- منابع استفاده شده برای تالیف از روزآمدی نسبی برخوردارند.

- دستورالعمل‌ها و معادلهای فرهنگستان علوم رعایت شده است. ابزارهای مناسب برای بازیابی اطلاعات کتاب از جمله چندین فهرست و نمایه، دسترسی به مطالب کتاب را تا حدی تسهیل نموده است.

- استفاده از مثال‌های فارسی، کاربرد پذیری اثر را بالا برده است. در ترتیب فصول و عناوین انتخاب شده برای آنها دقت لازم رعایت شده است.

نقاط ضعف

در این بخش سعی شده، به منظور استفاده بهینه از مقاله برای پدیدآورنده‌گان و خوانندگان محترم، مطالب به ترتیب اجزای اصلی کتاب ارائه شود. برخی از اشکالاتی که به کل کتاب وارد است در قسمت «متن» اشاره شده است.

پیشگفتار. نخستین اجزائی از کتاب که به منظور کسب دیدگاه و آشنایی کلی با اثر توسط خوانندگان حرفه‌ای مطالعه می‌گردد، پیشگفتار و مقدمه هستند. در پیشگفتار - که معمولاً پس از صفحه عنوان و پیش از فهرست مطالب می‌آید - در مورد علت و چگونگی تالیف اثر صحبت، و گاهی اثر با آثار مشابه مقایسه می‌گردد (فتاحی و طاهری، ۱۳۸۴، ص ۳). در مقدمه به عنوان بخشی از متن کتاب، موضوع (های) کتاب را معرفی و خواننده را برای آشنایی با محتوا و ورود به بخش اصلی (متن) آماده می‌سازد. مقدمه معمولاً بعد از فهرست مطالب می‌آید و گاه توسط پدیدآورنده‌گان با پیشگفتار اشتباه گرفته می‌شود (علمان، ۱۳۸۴، ص ۴).

در پیشگفتار کتاب مورد بررسی (همچنین واژه‌نامه و نمایه)، علی‌رغم ویرایش اثر توسط سه تن از متخصصان، اشتباهات فاحشی رخداده و میان مطالب ارائه شده در آن و مطالب ارائه شده در متن تناقض‌ها و تفاوت‌های بسیاری به چشم می‌خورد. عده‌ترین اشکالات مربوط به پیشگفتار عبارت‌اند از:

(الف) نام این بخش، بر مبنای آنچه قبلاً گفته شد - ماهیت محتوا و ترتیب قرار گرفتن آن (بعد از فهرست مطالب) - باید مقدمه نهاده می‌شد.
 (ب) در سطوح ابتدایی پیشگفتار (وسایر بخش‌های کتاب)، واژه «نمایه‌سازی» به جای «نمایه‌سازی موضوعی» بکار رفته است. چنانچه بدینهی است نمایه‌سازی موضوعی - از لحاظ محتوا و پوشش - نوع خاصی از نمایه‌سازی است (نوروزی، ۱۳۸۰، ص ۶۷؛ لنکستر، ۱۳۸۲، ص [۳]). و محتوای این نیز به این نوع از

واژه‌نامه. هدف از تدوین واژه‌نامه، درک بهتر مطالب اثر بر اساس آگاهی خوانندگان از معادل‌های زبان مبدا و مقصد، و کمک به مطالعات بیشتر در زبان‌های ذکر شده است. اشکالات واژه‌نامه این کتاب می‌تواند به این هدف لطمه وارد کند.

(الف) ارائه معادل‌ها یا برگردان‌های بومی برای واژه‌های بیگانه یکی از نشانه‌های پویایی زبان است. این امر می‌تواند هم پیامد مثبت و هم پیامد منفی باشد. مسئله‌ای که باید در اینجا مد نظر قرار گیرد، آسیب‌هایی است که معادل‌های جدید ممکن است اختنماً به ادبیات یک حوزه وارد کنند. بنابراین، پس از تداول اصطلاحاتی خاص بین متخصصان و آثار تخصصی یک حوزه، ایجاد اصطلاحات جدید موجب ضعف در زبان مشترک علمی می‌گردد (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۰).

(ب) در این کتاب نیز برای برخی از اصطلاحات انگلیسی -علی‌رغم وجود و تداول معادل فارسی -معادل‌هایی جدید آورده شده است. از جمله می‌توان به: «شخص بودن» و «وضوح» برای واژه «specificity»؛ «وجه تمایز» و «معرف» برای «modifier»؛ «ضمانت ادبی» برای «literary warrant»؛ «رفتار جستجوی اطلاعات»؛ «برای رهیابی» برای «information seeking behavior»؛ «navigation» و غیره اشاره کرد.

در اصطلاحنامه، اصطلاحی به عنوان توصیفگر یا اصطلاح مرجح انتخاب می‌شود که نزد اهل فن متداول باشد. شایسته است در اثری که درباره اصطلاحنامه است، به این مسئله توجه بیشتری گردد.

(ج) معادل‌های فارسی برخی از واژه‌های انگلیسی نامناسب می‌باشد. برای نمونه: «ابر» [صحيح: فرا] برای «meta» در واژه‌های «metadata, meta-thesaurus, meta-tag»؛ «هدف» برای «mission»؛ «توصیفگرها» برای «preferred terms»؛ «non-preferred terms»؛ «اصطلاحات نمایه» برای «index terms»؛ «بین زبانی» برای «inter-language» و «رون زبانی» برای «IR systems»؛ «جدولها» برای «box charts» و «غیره». همچنین معادل انگلیسی برخی از واژه‌های فارسی مانند: عبارت International Standard Organization (ISO)؛ «International Organization for Standardization (ISO)»؛ «آیزو» [صحيح: ISO]؛ «Standardization (ISO)».

(د) حضور برخی واژگان بی‌ارزش در یک واژه‌نامه تخصصی. مثال: «چند تا یا چه تعداد» معادل «How many». وجود این واژه محل سؤال است.

(ه) تکرار تعداد قابل توجهی از واژه‌های انگلیسی با معادل‌های فارسی یکسان یا متفاوت. مانند: واژه «lexeme» با معادل‌های فارسی «بن واژه» و «تکوژه قاموسی» با دو بار تکرار در صفحه ۱۸۲؛ واژه «homonyms» با معادل فارسی «هم نامها» با سه بار تکرار در صفحه ۱۸۵؛ واژه «mission» با معادل نامناسب هدف گرا با دو بار تکرار در صفحات ۱۸۱ و ۱۸۵؛ واژه «upward posting» با معادل‌های فارسی «جایگماری عمودی و مافق گذاری» دو بار تکرار در صفحات ۱۸۲ و ۱۸۴؛ و غیره. (و) عدم رعایت ترتیب القابی. حضور واژه‌هایی مانند «توصیفگرها»

فارسی بوده، در مواردی عدم انسجام در دستور خط مشاهده می‌شود. مانند: «سازمان‌دهی» در صفحات هفده و هجده، و «سازماندهی» در پشت جلد. در ترجمه نیز برخی عبارات و اصطلاحات گاهی به شکل مضاف و مضاف‌الیه و گاهی به صورت صفت و موصوف آمده‌اند، از جمله: «پایگاه اطلاعات» و «پایگاه اطلاعاتی»؛ «منابع اطلاعات» و «منابع اطلاعاتی»؛ و «نظام اطلاعاتی».

(د) برخی از موارد جزئی:

- در صفحه ۳۲ در مورد اشکال کاربرد اصطلاحنامه، شکل «پیوسته» با شکل «الکترونیکی» متراffد در نظر گرفته شده، در صورتی که شکل الکترونیکی مفهومی عامتر دارد و شامل شکل غیرپیوسته هم می‌گردد.

- در صفحه ۶۹ بیان شده که غیرتوصیفگرها با ارجاع «نیز نگاه کنید به» به توصیفگرها ارجاع می‌دهند. ارجاع «نیز نگاه کنید به» برای ارجاع میان توصیفگرها به توصیفگرها و برای ارجاع غیرتوصیفگرها به توصیفگرها از ارجاع «نگاه کنید به» استفاده می‌شود.

- صفحات ۸۷۰ کتاب درباره گزینش توصیفگرها و غیرتوصیفگرها بحث می‌کند. تقسیم‌بندی صورت گرفته برای مواردی که توصیفگر و غیرتوصیفگر محسوب می‌شوند نادرست است و با توجه به اصل «تداوی نزد اهل فن» برای انتخاب توصیفگرها نمی‌توان چنین تقسیم‌بندی انجام داد. برای نمونه می‌توان به آوردن «اصطلاحات علمی/علومیانه» در ذیل توصیفگرها، و «تووازه‌ها، ...» در ذیل غیرتوصیفگرها اشاره نمود. (ه) مقایسه محتوای متن کتاب با کتاب قبلی ناشر با عنوان «تدوین و کاربرد اصطلاحنامه»، تقاویت چندانی از نظر محتوا را نشان نمی‌دهد. غیر از بخش محدودی از مطالب کتاب مانند ویژگی‌های زبان فارسی و تاثیر آن بر گزینش توصیفگرها، کتاب قبلی می‌سوط تر به نظر می‌رسد. در اینجا این سوال مطرح است که جایگاه آثار جدید در میان آثار مشابه کجاست؟ (طاهری، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷)

(و) عدم ارائه یادداشت‌های توضیحی مورد نیاز، با توجه به کثرت و تنوع اصطلاحات تخصصی، و تقاویت نظر بر سر مفاهیم برخی از اصطلاحات مهم در حوزه اصطلاحنامه‌ها که بدليل ماهیت متتحول و رو به رشد این حوزه است، ارائه یادداشت‌های توضیحی به صورت پانویس یا تهیه یک واژه‌نامه توصیفی شایسته می‌نمود.

(ز) محل درج شماره صفحات - در انتهای سمت چپ تزدیک به شیرازه راست و انتهای سمت راست صفحات سمت چپ تزدیک ساخته است.

- بازیابی محتوای اثر را مشکل ساخته است.

(ح) همه پدیدآورندگان سعی دارند اثری بدون اشکالات تایپی ارائه دهند. تدبیر مراحلی برای ویراستاری ادبی و نمونه‌خوانی توسعه ناشرین و مجلات بر مبنای همین رویکرد است. با این وجود ظاهرا عدم وجود اشکالات تایپی بدوقیه در منابع تخصصی اجتناب‌نپذیر است. در این جزء از اثر نیز اشکالات تایپی چند وجود دارد که بدليل محدودیت فقط برخی از آنها در قالب جدولی ذکر می‌گردد:

صفحه	سطر	نادرست	درس
هفده	۸	تقاویت	
هفده	۱۸	با	یا
[۳۵]	۱۳ و ۳	دستورعملهای	دستورعملهای
۵۴	۴	دستورعملهای	دستورعملهای

مد (~) برای جلوگیری از تکرار واژه (های) مربوط به شناسه مرجع استفاده شده است. در برخی موارد این علامت‌ها درست بکار نرفته‌اند. مانند: پیش از بیانگرهای «گرینش و محتوا» در ذیل شناسه مرجح «توصیفگر». همان طور که مشخص است واژه مربوط به این شناسه «توصیفگر» است که بدین ترتیب خوانده می‌شود: توصیفگر گرینش و توصیفگر محتوا. یا پیش از بیانگر «چند سلسه مراتبی» در ذیل شناسه مرجح «راطیه سلسه مراتبی». لازم به ذکر است علامت مد (~) معمولاً در نمایه‌های درون بافی استفاده می‌شوند.

ح) اشکالات تایپی. در نمایه نیز اشکالات تایپی وجود دارد. مثال: وجود علامت‌های قلاب اضافی ([]) در شناسه مرجح «استانداردهای تدوین اصطلاحنامه». شکل مفرد واژه مربوط به شناسه مرجح «توصیفگر» در محل الفایی خود و شکل جمع آن در ارجاع به آن توسط شناسه نامرجح «اصطلاحات مرجح».

سخن آخر

هدف از تدوین نقد حاضر کمک به تقویت کیفی کتاب مورد نقد، رفع کاستی‌های آن در ویرایش‌های بعدی کتاب بود. بدیهی است مطالب ارزش افزودنی این کتاب بخواهد کاست و زحمت نویسنده‌گان آن را تقدیر است. نگارنده، همانند گذشته، امیدوار است فضای مناسب و ابزارهای نقد منابع تخصصی رشته به منظور تعامل بیشتر نویسنده‌گان و خوانندگان، و در نهایت بهبود کیفیت این منابع گسترش یابد.

پی‌نوشت

۱. رای اطلاعات بیشتر بنگرید به: متن گفت‌و‌گوی صورت گرفته با آقای دکتر عباس حری در مورد «تاریخچه اصطلاحنامه در ایران» در همین شماره.

۲. ایچسن، جین و دیگران (۱۳۸۲). *تدوین و کاربرد اصطلاحنامه*، ترجمه محسن عزیزی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

منابع و مأخذ

۱. طاهری، مهدی (۱۳۸۳). نقدی بر کتاب «فهرستنويسي»، کتاب ماه کليات. ش ۸۴ ص ۷۳-۷۹. [پيوسته]. قابل دسترس در: <http://www.ketab.ir/Ketab/E-Magazine/MahFiles/K84.pdf>

۲. طاهری، مهدی (۱۳۸۴). «نقدی بر یک اثر جدید در حوزه فهرستنويسي». کتاب ماه کليات، ش ۹۸ ۹۷، ص ۱۲۳-۱۲۷. [پيوسته]. قابل دسترس در: <http://www.ketab.ir/Ketab/E-Magazine/MahFiles/K97-98.pdf>

۳. فتاحی، رحمت الله و مهدی طاهری (۱۳۸۴). *فهرستنويسي: اصول و روشهای ویرایش چهارم*. تهران: کتابدار.

۴. لنکستر، اف. دبلیو (۱۳۸۲). *نمایه‌سازی و چکیده‌نويسي: مبانی نظری و عملی*. ترجمه عباس گیلوری. تهران: چاپار.

۵. نوروزی، علیرضا (۱۳۸۰). *نمایه‌سازی کتاب: راهنمایی برای ناشران، نمایه‌سازان و کتابداران*. تهران: چاپار.

و «غیرتوصیفگرها» در میان واژه‌هایی که با حرف الف شروع شده‌اند (ص. [۱۸۱]).

ز) عدم وجود بعضی از واژه‌های انگلیسی در اصطلاحات انگلیسی مرتبه از جمله واژه «thesaurus» در «mission oriented super-term»؛ واژه «ordinate» در اصطلاح «mission oriented» و نظایر آن.

ح) اشکالات تایپی در واژه‌نامه. برای مثال «ab initio» صحیح

«alphanumeric».

نمايه. هدف از ایجاد نمايه، سرعت و سهولت بازيابي اطلاعات است (نوروزي، ۱۳۸۰، ص ۱۶). وجود نمايه بهویه در يك اثر تخصصي آن هم در حوزه اصطلاحنامه ضروري می‌نماید. نمايه ارائه شده در اين کتاب، يك نمايه بروان بافتی است که تنها سه صفحه از صفحات كتاب را به خود اختصاص داده است. انتظار مي‌رفت در کتابی که توسط سازمان و پديدآورندگانی (نويسنده‌گان و ويستاران کتاب) متخصص در حوزه نمايه‌سازی به نگارش درآمده، نمايه‌اي بدون نقص، بهطوری که به عنوان الگویي برای دیگر پديدآورندگان قرار گيرد، وجود داشته باشد. بررسی نمايه بیانگر آن است که پديدآورندگان کتاب دقت و توجه کافی را صرف ننموده‌اند.

الف) نمايه کتاب بيشتر شبيه فهرستي از عناوين فرعی کتاب است که به صورت الفایی ترتیب یافته‌اند.

ب) بهمنظور تشخیص بهتر شناسه‌های مرجح از شناسه‌های نامرجح در نمايه، معمولاً شناسه‌های نامرجح با حروف نازک و شناسه‌های مرجح با حروف درشت در نظم الفایي خود ظاهر می‌شوند. در اين نمايه شناسه‌های نامرجح با حروف درشت نمايش داده شده و با علامت پيکان به شناسه‌های مرجح (با حروف نازک) که بعد از پيکان آمداند، ارجاع داده شده‌اند.

ج) ارجاعات کور (يما داخل کور). از اين نوع ارجاعات در اين نمايه به وفور یافت می‌شود. بيشتر ارجاعات شناسه‌های نامرجح به شناسه‌های مرجح اين نمايه، ارجاعات کور هستند. مانند: ارجاع از شناسه غیر مرجح «جايگاري عمودي» به شناسه مرجح «راطیه هم ارزی»، در صورتی که هيچ بيانگري در اين خصوص وجود ندارد؛

ارجاع شناسه نامرجح «نقشه‌های اصطلاحنامه» به شناسه مرجح «اصطلاحنامه» که هيچ بيانگر مرتبط ندارد؛ و غيره. همچين ارجاع کور به جايگاري: ارجاع بيانگرهای مربوط به شناسه مرجح «هم نويسي(ها)» به صفحات ۱۲۲، حال آن که صفحه ۸۷ صحیح است.

د) ارجاع دور (يا تسلسل). از اين نوع ارجاعات نيز در اين نمايه به وجود دارد. به عنوان مثال: ارجاع شناسه نامرجح «چارت كادری» به «ساختار مستطيل»، و ارجاع شناسه نامرجح «ساختار مستطيل» به شناسه مرجح «اصطلاحنامه».

هـ) عدم رعایت نظم الفایي. شناسه مرجح «جست و جو» در ترتیب الفایي شناسه‌هایي قرار گرفته که با حرف کاف شروع می‌گردد.

و) ارجاعات نادرست. ارجاع شناسه نامرجح «انتخاب اصطلاحات» به بیانگر «گرینش اصطلاحنامه». [صحیح: اصطلاحات] «مربوط به شناسه مرجح اصطلاحات».

ز) پيش و پس از بيانگرها در ذيل شناسه‌های مرجح از علامت

